

دنیای شگفت‌انگیز نو

آلدوس هاکسلی

فرید دبیرمقدم

www.ketab.ir

Aldous Huxley
Brave New World
Harper & Row Publishers, 1946

www.ketab.ir

Huxley, Aldous

هاکسلی، آلدوس، ۱۸۹۴-۱۹۶۳ م.
دنیای شکفت انگیز نو، ترجمه‌ی فرید دبیر مقدم
تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی هنری خاندهی هنر مد، ۱۴۰۲
۲۸۴ ص: ۵/۱۳×۲۱ م.
۹۷۸-۶۲۲-۹۲۵۳۶-۲-۵

فینیا

Brave New World

عنوان اصلی:
داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.
دبیر مقدم، فرید، ۱۳۶۹ - مترجم

PZ3

۸۲۳/۹۱۴

۹۳۹۴۱۱۶

سرشناسه:
عنوان و پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
یادداشت:
موضوع:
شناسه‌ی افزوده:
رده‌بندی کنگره:
رده‌بندی دیویی:
شماره‌ی کتابشناسی ملی:

مآذینا اتسفتا رولینا

کتابخانه مرکزی
جمهوری اسلامی ایران
تهران

دنیای شگفت‌انگیز نو

مؤلف: آلدوس هاکسلی
مترجم: فرید دبیرمقدم
ویراستاران: مهدی نوری
مدیر: اسماعیل پور

چاپ اول: زمستان ۲۰۰۲
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: محمدتقی بابایی
طراحی جلد: فاطمه حاتمی
مدیر تولید: مصطفی شریفی

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۵۳۶-۲-۵

همه‌ی حقوق این اثر متعلق به مؤسسه‌ی فرهنگی هنری خانه‌ی هنر مند است.



تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان خردمند جنوبی، کوچه‌ی وفایی ورمزآبادی، پلاک ۱

تلفن: ۸۸۳۲۸۶۸۸

پیش‌گفتار مترجم

هرگاه رمانی دیستوپیایی را برای خواندن در دست می‌گیریم، قاعدتاً انتظار داریم تصاویری هولناک از آینده پیش چشممان ظاهر شود: سرزمینی هرز، فضایی آخرالزمانی، نظام‌های سیاسی خشن و سرکوبگر، نوپیدی مردمان از بهبود اوضاع، تلاش برای بقا و البته قحطی و انواع و اقسام بلاهایی که نوع بشر قادر است بر سر خود بیاورد. اما در رمان دنیای شگفت‌انگیز نوبا چنین تصاویر دهشتناکی روبه‌رو نمی‌شیم. مردم در این جا، در سال ۲۵۴۰ میلادی (هرچند مبدأ تاریخ، چنان‌که در رمان آمده، تغییر یافته است)، همگی در رفاه و خوشبختی به سر می‌برند: نه خبری از بیماری و پیری است و نه از فقر و جنگ؛ همه‌ی شهروندان سرگرم تفریح و بازی‌های عجیب و غریب و لذات شهوانی‌اند و دولت یکپارچه‌ی جهانی هم هرگز به خشونت متوسل نمی‌شود. در یک کلام، با جامعه‌ای به اصطلاح «باثبات» سروکار داریم. در نتیجه، استفاده از معادل فارسی بسیار خوب «ویرانشهر» برای این رمان چه‌بسا در نگاه اول نابجا بنماید. با این‌همه، این تنها رویه‌ی ظاهری ماجراست. هاگسلی در طول رمان رفته‌رفته جامعه‌ای خیالی در آینده را برای خواننده به تصویر می‌کشد که از هر کابوسی ترسناک‌تر است، جامعه‌ای با سیطره‌ی کامل تکنولوژی بر همه‌ی ابعاد زندگی مردم کل جهان، از پیش از تولد تا دم مرگ. این رمان، پس از گذشت نود سال از زمان نگارشش، همچنان با زمانه‌ی ما مناسبت بسیار دارد.

در دهه‌ی ۱۹۳۰، فجایع جنگ جهانی اول همچنان از نظر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بر اروپا سایه افکنده بود. نابسامانی اقتصادی و ظهور تدریجی حکومت‌های استبدادی در اروپا بسیاری را از بهبود اوضاع جهان نومید کرده بود. در این وضعیت استیصال، به نظر می‌رسید تنها کورسوی امید پیشرفت سریع

علم و تکنولوژی است. در این میان، اچ. جی. ولز (۱۸۶۶-۱۹۴۶)، نویسنده‌ی پرطرفدار آثار علمی تخیلی، در داستان‌های خود این تصور را میان مردم رواج می‌داد که پیشرفت تکنولوژی به آینده‌ای شکوهمند و درخشان منجر خواهد شد. اما هاکسلی، که به هیچ‌وجه با این نگاه خوشبینانه‌ی ولز به آینده همسو نبود، در نامه‌ای به یکی از دوستانش چنین نوشت: «مشغول نگارش رمانی درباره‌ی آینده هستم، درباره‌ی دهشتناکی یوتویپای ولزی و در مخالفت با آن.» تلاش وی به پنجمین و مشهورترین رمان او بدل شد: دنیای شگفت‌انگیز نو، رمانی که در فوریه‌ی ۱۹۳۲ به چاپ رسید و بلافاصله اقبال و محبوبیت فراوانی یافت. ظرف یک سال، تنها در انگلستان سیزده هزار نسخه از آن به فروش رفت و ده هزار نسخه نیز در سال بعد.

ریشه‌ی همنشینی علم و ادبیات در این رمان را چه بسا باید در تبار آلدوس هاکسلی جست. پدربزرگش، تامس هنری هاکسلی (۱۸۲۵-۱۸۹۵)، زیست‌شناس نامدار و از دوستان نزدیک داروین بود و عموی مادرش، متیو آرنولد (۱۸۲۲-۱۸۸۸)، شاعر و منتقد فرهنگ پرآوازه‌ی انگلیسی. آلدوس هاکسلی از پیوند این دو خاندان برآمد، نویسنده‌ای جامع‌الاطراف که به فرانسوی و آلمانی تسلط داشت، پیانو می‌نواخت و با چنان‌که از ارجاعات فراوان کتاب حاضر نیز می‌توان دریافت، از دانش گسترده‌ای در حیطه‌های چون زیست‌شناسی، موسیقی، تاریخ باستان، فلسفه، ریاضی، شیمی و فناوری‌های روز برخوردار بود. دید او به جهان ترکیبی غنی است از نگاه علمی خاندان پدری و بینش هنری خاندان مادری. هاکسلی از نظرگاه عینی و سرد یک دانشمند به مسائل می‌نگرد و همزمان از خلاقیت هنری حیرت‌انگیزی بهره دارد. او به‌واسطه‌ی اثرپذیری از پدربزرگش بود که چنین به ژرفکاو‌ی در دنیای نو پیش روی خود می‌پرداخت و می‌کوشید درک کاملی از آن به دست بیاورد. از طرف دیگر، تحت تأثیر آرنولد، سخت شیفته‌ی گذشته و زیبایی و حکمت آن بود، البته نه با نگاهی واپس‌گرایانه، بلکه با دیدی نقادانه.

نکته‌ی دیگری که به درک بهتر این رمان کمک می‌کند پیوند عمیق هاکسلی با آثار شکسپیر است، پیوندی که از روزگار نوجوانی و با ایفای نقش در نمایشنامه‌ی تاجر ونیزی در دوازده سالگی آغاز شد و تا پایان عمر او ادامه یافت.

آخرین مقاله‌ی هاکسلی با عنوان «شکسپیر و دین» بر صحت این ادعا گواهی می‌دهد، متنی که او در بیست و دوم نوامبر ۱۹۶۳، یعنی دو روز پیش از مرگ، با ضبط صدای خود آن را به پایان رساند، زیرا سرطان چنان زمینگیرش کرده بود که دیگر حتی توان در دست گرفتن قلم را هم نداشت.^۱ به گفته‌ی هارولد بلوم، منتقد ادبی امریکایی، بزرگ‌ترین درسی که هاکسلی از شکسپیر آموخت و در این رمان چیره‌دستانه از آن بهره جست آبرونی و قدرت شگرف زبان است. انبوهی از بازی‌های زبانی در رمان دیده می‌شوند، از دستکاری در اشعار کودکانه گرفته تا ابداع بازی‌های دسته‌جمعی با نام‌های پرطمطراق و آلات موسیقی خیالی و غیره. نام و نام خانوادگی تمام شخصیت‌های رمان ترکیبی طعنه‌آمیز است از نام سیاستمداران و دانشمندان و نظریه‌پردازان و نویسندگان زمانه‌ی خود هاکسلی یا پیش از او، هر چند تناظری یک‌به‌یک میان نام شخصیت‌ها و اشخاص حقیقی وجود ندارد. هاکسلی در این رمان از آبرونی نیز بسیار استفاده می‌کند که معروف‌ترین نمونه‌ی آن خود عنوان رمان است. او این عنوان را از یکی از گفتارهای شخصیت میراندا در نمایشنامه‌ی طوفان شکسپیر برگرفته است (طرفه‌ای که این سخن در نمایشنامه نیز حالتی آبرونیک دارد، زیرا میراندا به سبب معصومیت خود نمی‌تواند به سرشت شرور مسافران جزیره پی ببرد). دشوارترین بخش ترجمه‌ی رمان نیز معادل‌سازی برای این ابداعات عجیب و انتقال بازی‌های زبانی رمان به زبان فارسی بود.

نکته‌ی دیگری که لازم می‌دانم برای رفع ابهام احتمالی به آن اشاره کنم ترجمه‌ی عنوان کتاب است. کلمه‌ی Brave در این جا به معنای امروزی آن، یعنی شجاع یا جسور یا بی‌باک، نیست. این صفت معنایی مهجور نیز دارد که در قدیم استفاده می‌شده و مراد از آن چیزی شکوهمند و پرجلال است که موجب شگفتی و اعجاب می‌شود. از این رو، معادل «شگفت‌انگیز» را برای آن برگزیدم که به گمانم با فضای کلی رمان نیز همخوانی بجایی دارد.

۱. از بازی‌های چرخ روزگار یکی هم این‌که هاکسلی درست در روز ترور جان اف. کندی درگذشت و، به‌رغم محبوبیت فراوان، خبر درگذشت او در رسانه‌ها تحت‌الشعاع اخبار ترور رئیس‌جمهور امریکا قرار گرفت.

این رمان اولین بار در سال ۱۳۵۲ به ترجمه‌ی دکتر سعید حمیدیان و با عنوان دنیای قشنگ نو به همت انتشارات پیام به چاپ رسید و ویراست دوم آن نیز در سال ۱۳۷۸ در نشر نیلوفر منتشر شد. مترجمان معمولاً علت ترجمه‌ی مجدد آثار ادبی برجسته را تحولات در زبان می‌دانند و معتقدند این قبیل آثار هر ده بیست سال یک بار باید دوباره ترجمه شوند.^۱ به گمان من، تحولات سریع و گسترده در «زمانه» علت مهم‌تری برای ترجمه‌ی مجدد است. در حال حاضر، مترجمان به مدد اینترنت به منابعی دسترسی دارند که در اختیار مترجمان پیشین نبوده است: لغت‌نامه‌های آنلاین انگلیسی به انگلیسی معتبر، کتاب‌ها و مقالاتی در شرح ارجاعات نویسنده و ریزه‌کاری‌های متن، وب‌سایت‌هایی که امکان ضبط هرچه دقیق‌تر نام‌های خاص و مکان‌های واقعی را فراهم می‌سازند و بالاخره کتاب‌های صوتی و غیره. از همین روست که در هشتاد درصد مواقع بروز اشتباهات فراوان در ترجمه‌ی دکتر حمیدیان برایم قابل درک است، زیرا ایشان پنجاه سال پیش اصلاً امکان دسترسی به این منابع را نداشته‌اند. ایراد دوم ترجمه‌ی ایشان عبارت است از اشاره نکردن به تمام نقل قول‌های مستقیم پرشمار از آثار شکسپیر که در فهم بهتر رمان پیش رو نقشی اساسی ایفا می‌کنند. ناگفته نماند که دکتر صالح حسینی، در بخش «یادداشت‌های ویراستار» در انتهای کتاب، از میان نقل قول‌های مذکور در این رمان تنها به نقل قطعات محدودی از نمایشنامه‌های مشهورتر شکسپیر بسنده کرده‌اند.

به قول شادروان نجف دریابندری، «هرکس احساس کرد که می‌تواند ترجمه‌ی بهتری از یک اثر موجود در بیاورد، به حکم مصلحت ادبیات فارسی باید این کار را بکند. اگر آن احساس او درست بود چه بهتر. اگر احیاناً درست نبود، خوب حداقل فایده‌اش برای خود او این است که توهمش برطرف می‌شود.» (یک گفت‌وگو، ص. ۷۲). به بیان دیگر، مترجم احساس می‌کند ترجمه‌ی موجود حق مطلب را به شکلی که شایسته‌ی یک اثر ادبی درخشان باشد در زبان فارسی ادا نکرده است. انگیزه‌ی اصلی من برای ترجمه‌ی دنیای شگفت‌انگیز نو نیز همین بود. بی‌تردید داوری در باب حاصل کار با خوانندگان گرامی است.



۱. برای نمونه بنگرید به مقدمه‌ی سروش حبیبی بر جنگ و صلح و مقدمه‌ی مهدی سعابی بر سرخ و سیاه.

در پایان وظیفه‌ی خود می‌دانم از تمام دست‌اندرکاران محترم نشر مد صمیمانه تشکر کنم، خاصه از دوستان فرهیخته‌ام، آقایان مهدی نوری و علیرضا اسماعیل پور، که همچون ترجمه‌ی قبلی‌ام زحمت ویراستاری این کتاب را کشیدند و با دقت کم‌نظیر و ذوق زبانی خود در بهبود ترجمه‌ی حاضر کوشیدند. نمونه‌ی بارز این ذوق زبانی اشعار داخل متن است که آقای اسماعیل پور آن‌ها را چیره‌دستانه به نظم درآورده‌اند.

منابع:

یک گفت‌وگو: ناصر حریری بانجف دریا بندری، نشر کارنامه، ۱۳۹۸
(چاپ سوم).

Aldous Huxley: Brave New World, By Raychel Haugrud Reiff, New York: Marshall Cavendish Benchmark, 2010.

Bloom's Guides: Aldous Huxley's Brave New World, Edited and with an Introduction by Harold Bloom, Chelsea House Publishers, 2004.

Letters of Aldous Huxley. "Letter to Mrs. Kethevan Roberts, 18 May 1931", Edited by Grover Smith. New York: Harper & Row, 1969: p. 348.